

چگونه طیف خاصی از اصولگر ایان با تشکیک در روایت‌های رسمی خبر ساز شدند؟

خبر سازی تندروها در رویکرد گل به خودی

در ادبیات سیاسی و ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی در تمامی بیش از ۴ دهه گذشته مفهوم «امنیت ملی» همواره به عنوان خط قرمزی غیرقابل تفسیر با دیسیپلینی یولادین تعریف شده است. تا همین چند سال پیش، پدیده «تشکیک در روایت‌های رسمی و حاکمیتی» در لابه‌های امنیتی، دفاعی و دیپلماتیک، انحصاراً در سبد مواضع منتقدان شناسنامه‌دار، جریان‌های اپوزیسیون یا ناظران خارج از هرم قدرت قرار داشت اما دگر دیسی‌های سیاسی اخیر در بدنه مجلس، از دوره دهم به بعد به خصوص در دوره دوازدهم و سر بر آوردن جریانی رادیکال و نوظهور در میان طیف خاصی از اصولگر ایان، این موازنه سنتی را دستخوش چالشی بی‌سابقه کرده است.

شرح در صفحه ۱

مصیبت «گرانی نان»
برای سفره‌های خالی کارگران

مزد ۶۰ درصد

افزایش یافت، نان

۱۴۰ درصد گران شد!

صفحه ۲

مصیبت «گرانی نان»
برای سفره‌های خالی کارگران

پشت پرده

حذف تلخ

تیم ملی

صفحه ۵

دود اختلاف‌ها در چشم
مصرف کننده

بازار خودرو

در گرداب

چندصدایی

صفحه ۶

اخبار

آیا دولت ترامپ بر سر ایران دچار شکاف شده است؟

ونس در برابر رویو

با وجود تاکید کاخ سفید بر همسویی کامل مقام‌های ارشد دولت آمریکا، تفاوت در مواضع و لحن ج‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور و مارکو رویو، وزیر امور خارجه، درباره ایران، اسرائیل و توافق اخیر تهران-واشنگتن، گمانه‌زنی‌ها درباره وجود شکاف در تیم سیاست خارجی دونالد ترامپ را افزایش داده است؛ شکافی که ریشه در دو رویکرد متفاوت جمهوری‌خواهان نسبت به نقش آمریکا در جهان و نحوه مواجهه با ایران دارد.

به گزارش سیاست خارجی ایرنا، در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به دلیل امضای یادداشت تفاهم اسلام‌آباد با ایران با موجی از انتقادات، به‌ویژه از سوی سیاستمداران و حامیان اسرائیل، روبه‌رو شده بود، ج‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، با حضور گسترده در رسانه‌ها از این توافق که با هدف پایان دادن به جنگ چندماهه منعقد شده است، دفاع کرد.

به گزارش الجزیره، ونس از «پیشرفت خوب» در روند مذاکرات سخن گفت و افزود که «پایه‌ای بسیار مناسب» برای دستیابی به یک توافق نهایی موفق با ایران ایجاد شده است. دو طرف ۶۰ روز فرصت دارند تا به توافق نهایی دست پیدا کنند.

ونس که ریاست مذاکرات با ایران در سوئیس را بر عهده داشت، در واکنش به مخالفت علنی اسرائیل با یادداشت تفاهم، از ادیبانی تند علیه این رژیم استفاده کرد. او گفت: «شما کشوری با ۹ میلیون نفر جمعیت هستید. نمی‌توانید تصور کنید که با کشتن، راه‌حل همه مشکلات امنیت ملی خود را پیدا خواهید کرد.»

این سخنان اشاره‌ای آشکار به اتکای اسرائیل به قدرت نظامی برای حل مسائل امنیتی‌اش بود.

برخلاف ونس، مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا، از انتقاد علنی از اسرائیل، نزدیک‌ترین متحد واشنگتن، خودداری کرد و در عوض، حملات لفظی خود به متوجه دولت ایران ساخت. رویو هفته گذشته به خاورمیانه سفر کرد تا به متحدان آمریکا در کشورهای حوزه خلیج فارس اطمینان دهد؛ کشورهایی که در جریان جنگ هدف حملات ایران قرار گرفته بودند.

او روز ۲۵ ژوئن در بحرین اعلام کرد: «آبراهه‌ای بین‌المللی، از جمله تنگه هرمز، متعلق به هیچ کشور خاصی نیستند.»

چندروز بعد، ایالات متحده و ایران بر سر کنترل تنگه هرمز، گذرگاهی راهبردی برای انتقال انرژی جهان ، وارد سه روز حملات متقابل شدند؛ نخستین رویارویی نظامی میان دو کشور از زمان امضای یادداشت تفاهم در ۱۷ ژوئن. انتظار می‌رود دو طرف برای کاهش تنش‌ها بر سر تنگه هرمز، که حدود یک‌پنجم انرژی جهان از آن عبور می‌کند، مذاکرات فنی برگزار کنند.

در همین حال، اظهاراتی که طی هفته گذشته از سوی ونس و رویو مطرح شد و در ظاهر با یکدیگر تفاوت داشت، این گمانه‌زنی را ایجاد کرده است که شاید در داخل دولت ترامپ درباره نحوه برخورد با ایران اختلاف‌نظر وجود داشته باشد.

با این حال، کاخ سفید با قاطعیت هرگونه اختلاف میان این دو مقام را رد کرد. بر این گزارش، بررسی می‌کنیم که ونس و رویو چه گفته‌اند، اختلاف‌های احتمالی میان دیدگاه‌های آنان چیست و چرا این موضوع اهمیت دارد.

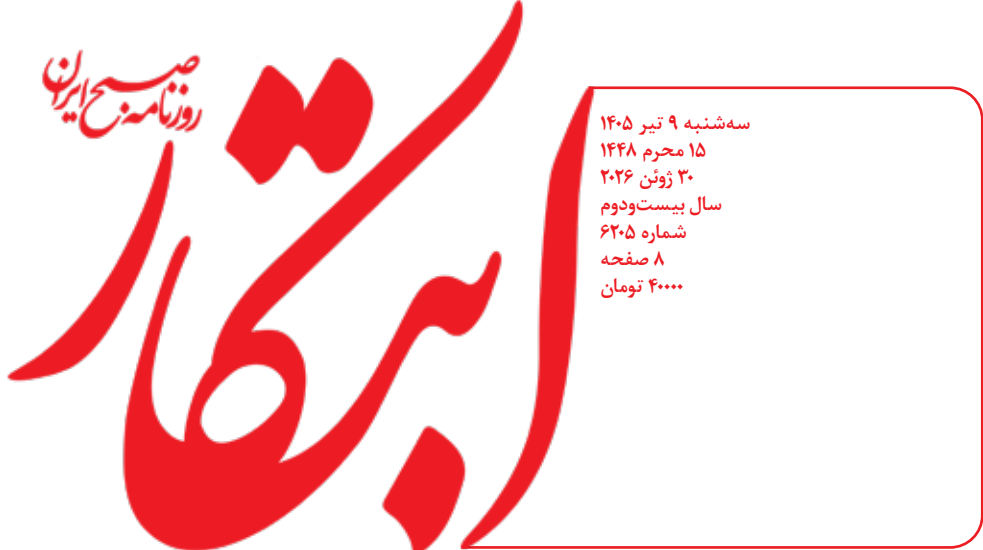
آیا دولت ترامپ درباره جنگ با ایران دچار اختلاف شده است؟

در هفته گذشته، هم ونس و هم رویو بر سفره‌های مهم خارجی ماموریت داشتند از یادداشت تفاهمی که میان واشنگتن و تهران امضا شده دفاع کنند. با این حال، اظهاراتی که این دو مقام در جریان این سفرها در برابر رسانه‌ها مطرح کردند، تا حدی با یکدیگر تفاوت داشت.

درباره اسرائیل

ونس هفته گذشته در کاخ سفید گفت: «حملات هوایی اسرائیل به زیرساخت‌های غیرنظامی در بیروت، تلاش‌های آمریکا برای برقراری صلح را تضعیف می‌کند.» حتی خود دونالد ترامپ نیز از هدف قرار دادن ساختمان‌های مسکونی توسط اسرائیل انتقاد کرده بود. او در نشست سران گروه هفت در فرانسه گفت:«لزم نیست هر بار که به دنبال یک نفر هستید، یک مجتمع مسکونی را با خاک یکسان کنید؛ چون افراد زیادی در آن ساختمان‌ها زندگی می‌کنند و همه آنها عضو حزب‌الله نیستند.»

بر اساس اعلام وزارت بهداشت لبنان، از دوم مارس تاکنون، بیش از چهار هزار نفر در حملات اسرائیل به لبنان کشته و حدود یک میلیون و دویست هزار نفر نیز آواره شده‌اند.



در دیدار با مراجع تقلید با تأکید بر حفظ وحدت و انسجام ملی مطرح شد

هشدار پزشکيان درباره سنگ اندازی

برخی جريان‌ها

صفحه ۲



چرا دولت ترامپ راهی جز دیپلماسی و رفع تحریم‌های ایران ندارد؟

رفع تحریم یا بازگشت به چرخه بی‌پایان تنش

دیپلماسی گسترده‌تر ایجاد شود.

اما پس از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس و جهاد اسلامی به جنوب اسرائیل، واشنگتن بار دیگر دسترسی ایران به این منابع را مسدود کرد.

درس این اقدام برای تهران نمی‌توانست از این روشن‌تر باشد: وعده‌های آمریکا برگشت‌پذیرند، تعهدات آمریکا مشروط هستند و رفع تحریم‌هایی که امروز وعده داده می‌شود، می‌تواند فردا لغو شود. در چنین شرایطی، بار اعتمادسازی به ناچار بر دوش واشنگتن می‌افتد تا از طریق گام‌های ملموس و قابل راستی‌آزمایی، و نه صرفاً با دادن تضمین‌های زبانی، این اعتماد را بازسازی کند. پذیرش این واقعیت مستلزم قبول کردن جهان‌بینی تهران نیست؛ بلکه نیازمند درک این نکته است که موضوع مذاکراتی ایران از یک منطق استراتژیک منسجم پیروی می‌کند؛ منطقی که بر اثر عهدشکنی‌های مکرر آمریکا و سال‌ها رویارویی رو به تصاعد شکل گرفته است.

از دیدگاه تهران، دو منبع بزرگ اهرم فشار این کشور در حال حاضر، وضعیت برنامه هسته‌ای آن (از جمله ذخایر اورانیوم با غنی بالا) و کنترل آن بر کشتیرانی در تنگه هرمز است. واگذاری این اهرم‌ها در ازای وعده‌های نسبه برای رفع تحریم‌ها در آینده، به معنای تسلیم کردن قوی‌ترین برگ‌های برنده خود و در عین حال کاهش فشار از روی واشنگتن خواهد بود. معنای غلتیدن دوباره به شرایط میهم، بی‌هدف و حداکثرگرایانه «فشار حداکثری» است، منتها این بار در شرایطی به مراتب خطرناک‌تر. ایران توانایی خود را برای تحمیل هزینه از طریق تنگه هرمز نشان داده است، بازیگران منطقه‌ای تمایل چندانی به رویارویی دیگری ندارند و نسخه زورگویانه واشنگتن نیز پیش از این در ایجاد تسلیم یا یک توافق پایدار شکست خورده است. منتقدان ازآند استدلال کنند که این مسیر بر سازش‌های مورد نیاز برای دیپلماسی ترجیح دارد؛ اما آن‌ها باید این ادعا را صادقانه مطرح کنند. پس از شکست هم‌زمان فشار حداکثری و جنگ، مخالفت با گام‌های لازم برای موفقیت مذاکرات، در عمل، استدلالی برای بازگشت به همان استراتژی است که سال‌ها بی‌ثباتی، هزینه‌های فزاینده، بحران‌های مکرر و فرسایش مداوم جایگاه ایالات متحده در منطقه را به همراه داشته است.

آن تحمیل کرد، تنگه هرمز را بست و در حالی از این نبرد خارج شد که بخش عمده‌ای از زیرساخت‌های نظامی‌اش که پشتوانه توانمندی‌های نظامی نامتقارن آن است، دست‌نخورده باقی ماند. نیروهای موشکی و پهپادی ایران به تعداد قابل‌توجهی پابرجا ماندند، زیرساخت‌های نظامی زیرزمینی آن تا حد زیادی دوام آوردند و بر اساس گزارش‌های متعدد، ایران از همین حالا با سرعتی فراتر از حد انتظار در حال بازسازی آن‌هاست.

اهمیت این موضوع بسیار فراتر از میدان نبرد است. برای دهه‌ها، بزرگ‌ترین منبع اهرم فشار واشنگتن بر تهران، تهدید می‌بیشگی «گزینه نظامی» بود. آن کارت بازی اکنون دیگر سوزانده شده است. با این حال، حتی این کارزار نظامی بی‌سابقه نیز نتوانست ایران را به تسلیم وادارد یا محاسبات استراتژیک تهران را به طور بنیادین تغییر دهد. دقیقاً به این دلیل که گزینه نظامی نتوانست تغییر سیاسی در ایران ایجاد کند (و به این دلیل که بسته شدن تنگه هرمز هزینه‌های فزاینده‌ای را بر واشنگتن و اقتصاد جهانی تحمیل کرد) دولت ترامپ چاره‌ای جز بازگشت به دیپلماسی جدی نداشت. دیپلمات‌های جدی همواره مستلزم اعطای امتیازات اولیه از سوی ایالات متحده بوده است. چرا؟ زیرا این واشنگتن بود، نه تهران، که بارها و بارها بستر اعتماد میان دو کشور را نابود کرد.

ایالات متحده با وجود پابندی ایران، از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ یعنی برجام (JCPOA) خارج شد. تحریم‌های همه‌جانبه‌ای را مجدداً اعمال کرد و در سال گذشته، دو بار حملات نظامی غافلگیرانه‌ای را علیه ایران انجام داد.

علاوه بر این، برخلاف انتقادهایی که اکنون از سوی برخی دموکرات‌ها مطرح می‌شود، حتی دولت بایدن نیز این واقعیت را درک کرده بود. در سال ۲۰۲۳، دولت بایدن پس از شکست در احیای برجام، بر سر یک تفاهم «تنش‌زدایی» مذاکره کرد که مستلزم تسهیل دسترسی به میلیاردها دلار از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی بود. آن وجوه به عنوان بخشی از یک فرآیند اعتمادسازی به قطر منتقل شد تا فضایی برای

پایگاه تحلیلی ریسپانسیبیل استیت‌کرفت با بررسی توافق مقدماتی یا تفاهم‌نامه اخیر میان دولت ترامپ و تهران، به نقد تندروهای واشنگتن (از جمله بعضی از نمایندگان و مقام‌های پیشین از حزب دموکرات) می‌پردازد که به اعطای امتیازات اقتصادی اولیه به ایران اعتراض دارند. نویسنده با تکیه بر شکست کارزار نظامی سنگین آمریکا علیه ایران و پایداری ساختار دفاعی و اهرم‌های فشار تهران (نظیر کنترل تنگه هرمز و برنامه هسته‌ای)، استدلال می‌کند که دیپلماسی جدی بدون گام‌های اعتمادساز اولیه از سوی واشنگتن غیرممکن است. او به منتقدان هشدار می‌دهد که مخالفت با این امتیازات، عملاً به معنای بازگشت به بن‌بست جنگ و سیاست شکست‌خورده «فشار حداکثری» است.

به گزارش خبرآنلاین تندروهای واشنگتن در قبال ایران (از جمله برخی دموکرات‌ها و مقامات سابق دولت بایدن) دولت ترامپ را به دلیل مواافت با رفع اولیه تحریم‌ها و دیگر اقدامات اعتمادساز در توافق مقدماتی یا تفاهم‌نامه خود با تهران، ملامت می‌کنند. اما انتقاد آن‌ها یک سوال آشکار را بی‌پاسخ می‌گذارد: جایگزین آن‌ها جز دور تازه‌ای از جنگ و تنش چیست؟ دلیل ترامپ برای تن دادن به این امتیازات این نبود که ناگهان متوجه فضیلت‌ها و ارزش‌های دیپلمات‌شده‌باشد؛ بلکه او ابتدا راهکار جنگ را امتحان کرد.

آن کارزار نظامی فوق‌العاده سنگین بود: انجام حدود ۱۳ هزار سورتی پرواز در کمتر از ۴۰ روز، آن را به یکی از سنگین‌ترین حملات هوایی در تاریخ مدرن تبدیل کرد. اهداف این حملات فراتر از تاسیسات نظامی، شامل کارخانه‌های فولاد، شرکت‌های داروسازی، دانشگاه‌ها، مدارس، زیرساخت‌های آب، ایستگاه‌های پلیس و مکان‌های دیگری بود که هدفشان قلع کردن دولت ایران و مجبور کردن آن به تسلیم بود.

اما این استراتژی جواب نداد.

ایران فرو نیاشید، بلکه مقاومت کرد و ضربه متقابل زد. ایران هزینه‌های گزافی را به پایگاه‌های آمریکایی و شرکای منطقه‌ای

وزیر امور خارجه در سفر خود به بغداد مجموعه‌ای از رایزنی‌ها را با مقام‌های ارشد عراق درباره روابط دوجانبه، امنیت منطقه، مدیریت تنگه هرمز، اجرای یادداشت تفاهم ایران و آمریکا، پایان جنگ در لبنان، سازوکار امنیت جمعی خلیج فارس و هماهنگی برای برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی انجام داد؛ سفری که به سکویی برای انتقال مواضع جدید تهران درباره تحولات منطقه‌ای پس از دو جنگ تحمیلی تبدیل شد.

به گزارش سیاست خارجی ایرنا، سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در جریان سفر رسمی خود به بغداد، مجموعه‌ای از دیدارها با مقام‌های ارشد عراقی از جمله وزیر امور خارجه، نخست‌وزیر، رئیس مجلس، مشاور امنیت ملی و رئیس‌جمهور عراق برگزار کرد و در نشست خبری مشترک با فؤاد حسین نیز به تشریح مواضع ایران درباره روابط دوجانبه، تحولات منطقه، یادداشت تفاهم میان ایران و آمریکا، تنگه هرمز و آینده امنیت منطقه پرداخت.

چرا سفر به بغداد؟

عراقچی در ابتدای نشست خبری مشترک با وزیر خارجه عراق، سفر خود به عراق را نخستین سفر خارجی به بغداد پس از «تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران» توصیف کرد و گفت این سفر در شرایطی ویژه انجام می‌شود. وی نخستین هدف سفر را قدرانی از دولت و ملت عراق به دلیل حمایت از جمهوری اسلامی

آیا اقدامات ایران پس از توافق برای مهار واشنگتن بازدارنده بوده است؟

نبرد ژئوپولیتیک در

خلیج فارس

صفحه ۱



سعید پای بند

سرمقاله



توسعه اقتصادی

شاه کلید تأمین منافع ملی

در شرایطی که تحولات جهانی با سرعتی بی‌سابقه در حال بازتعریف مناسبات قدرت است، دیگر نمی‌توان توسعه اقتصادی را صرفاً یک هدف بخشی یا یک برنامه دولتی تلقی کرد. توسعه اقتصادی امروز به مهم‌ترین ابزار حفظ و ارتقای منافع ملی تبدیل شده است؛ ابزاری که می‌تواند همزمان رفاه شهروندان، ثبات اجتماعی، امنیت ملی و قدرت چانه‌زنی کشورها را در عرصه بین‌المللی تقویت کند. واقعیت آن است که بسیاری از چالش‌های امروز کشور، از بیکاری و کاهش قدرت خرید گرفته تا نابرابری‌های منطقه‌ای و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری، ریشه در مسائل اقتصادی دارند. از همین رو، هرگونه راهبرد موفق برای آینده ایران ناگزیر باید توسعه اقتصادی را در مرکز سیاست‌گذاری‌های خود قرار دهد. توسعه‌ای که نه بر پایه درآمدهای مقطعی و منابع خام، بلکه بر اساس تولید، بهره‌وری، دانش، نوآوری و سرمایه انسانی شکل گیرد.

منافع ملی مفهومی چندوجهی است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی را در بر می‌گیرد. با این حال، تجربه کشورهای توسعه‌یافته و حتی اقتصادهای نوظهور نشان می‌دهد که دستیابی به بسیاری از اهداف ملی بدون برخورداری از یک اقتصاد پویا و رقابت‌پذیر ممکن نیست. اقتصادی که توان خلق ثروت داشته باشد، می‌تواند منابع لازم برای توسعه زیرساخت‌ها، ارتقای آموزش، بهبود خدمات عمومی و افزایش تاب‌آوری کشور در برابر بحران‌ها را فراهم آورد.

ادامه در صفحه ۲

صفر تا صد سفر عراقچی به بغداد

از تنگه هرمز تا امنیت منطقه، چه موضوعاتی روی میز بود؟

ایران در جریان جنگ اخیر عنوان کرد و از مواضع دولت عراق در محکومیت این حملات و همچنین ابراز همدستگی مردم عراق با ایران تشکر کرد.

وی دومین هدف سفر را تبریک تشکیل دولت جدید عراق و تأکید بر تداوم روابط ممتاز و شراکت راهبردی دو کشور دانست. وزیر امور خارجه همچنین اعلام کرد سومین هدف سفر، هماهنگی برای برگزاری مراسم تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب اسلامی در شهرهای بغداد، کاظمین، کربلا و نجف است. به گفته وی، با همکاری دولت عراق مقرر شده است این مراسم در شهرهای عراق به‌ویژه عتبات مقدسه برگزار شود و دولت عراق نیز برای این منظور ستادی ویژه تشکیل داده است. عراقچی از همکاری دولت عراق در این زمینه قدرانی کرد و گفت نشست‌های مشترکی برای نهایی کردن هماهنگی‌های اجرایی برگزار خواهد شد.

عراقچی همچنین هدف دیگر سفر را مرور روابط دوجانبه ایران و عراق عنوان کرد و گفت همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، تجاری، فرهنگی و مردمی در دیدارهای وی با مقام‌های عراقی مورد بررسی قرار گرفته است. در دیدار با نخست‌وزیر عراق، وزیر امور خارجه ضمن ابلاغ پیام تبریک رئیس‌جمهور ایران به مناسبت تشکیل دولت جدید عراق، بر عزم جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم و گسترش روابط با عراق در همه زمینه‌ها تأکید کرد و توسعه همکاری‌های دو کشور را در راستای منافع مشترک و تقویت ثبات و امنیت منطقه